



آیه الله مشکنی

## تفسیر سوره لقمان

قسم هشتم

# پاداش نیکان و کیفر بدان

### پاداش نیکان و کیفر بدان

در دو آیه گذشته، کسانی را که خریداران لاهوالحدیث می‌باشند، وعده جهنم داد و در این آیه کسانی را که ایمان و عمل صالح دارند وعده بهشت جاودان داده است. در اینجا سؤالی مطرح می‌شود:

آیا بهشت پاداش ایمان است یا پاداش عمل و با پاداش هر دو؟

آیا جهنم کیفر کفر است و یا کیفر گناهان بدنی است؟ آنچه از آیات و روایات بدست می‌آید این است که بهشت پاداش ایمان است، پس کسی که ایمانش درست باشد و آنچه باید باور داشته باشد، باور کند و اصول دین را معتقد باشد، پاداشش بهشت است. ولی اگر این انسان مؤمن، اعمال صالحه‌ای نداشته باشد با شرایط خاصی به بهشت می‌رود، به عکس کسی که مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» قرار گرفته و همگام با ایمان و باور قلبی، کارهای شایسته را نیز انجام داده، احکام مقدسه الهی را مراعات کرده، از محرّمات اجتناب نموده و خلاصه آنچه را که خداوند از او خواسته تا حد امکان انجام داده است، که چنین کسی، بی گمان به بهشت جاودان می‌رود و با جهنم هیچ سروکاری ندارد.

«خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

(لقمان - آیه ۹)

(کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، آنها را به باغهای پر نعمت بهشتی وعده داده ایم) و آنها در آن باغهای بهشتی پر نعمت همیشگی و جاودان خواهند بود. این وعده حق پروردگار است و خداوند بر هر کاری مقتدر و غالب است و به هر چیز حکیم و دانا است.

### ابدیت و جاودانگی در بهشت

این آیه کیفیت وعده حق و حتمی الهی را در مورد بهشتیان و مؤمنانی که اعمال صالح و شایسته داشته‌اند، بیان می‌دارد. از این آیه مدت بقاء و دوام مؤمنان را نیز توضیح می‌دهد که آنها برای همیشه در بهشت منتعم به نعمتهای بی پایان الهی اند و بهشت موعود موقتی و محدود نیست بلکه هیچ زمانی برای آن متصور نمی‌شود چون در بهشت، خلود و ابدیت است.

پس، همانگونه که یکی از اوصاف جلال خداوندی، ابدی است، بندگان خداوند در بهشت نیز ابدی هستند. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله در یک روایتی می‌فرماید: «خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لِأَلْفَيْتَيْنِ» شما برای ماندن خلق شده‌اید نه برای از بین رفتن و نابود شدن.



و اما کافران و مشرکان جانی بجز جهنم ندارند و در جهنم برای همیشه خواهند ماند، چه کارهای شایسته‌ای انجام داده باشند و چه نداده باشند زیرا اصول دین را نپذیرفته و مبدأ و معاد را قبول ندارند. البته آن کس که مبدأ و معاد را قبول دارد، وحدانیت و بازگشت را می‌پذیرد ولی پیامبر «ص» را قبول ندارد نیز کافر است. پس چه یکی از اصول را و چه تمام اصول را نپذیرد کافر است و در جهنم برای همیشه خواهد ماند.

برای اینکه مطلب روشن‌تر شود، مردم را به چهار قسمت تقسیم می‌کنیم:

- ۱- کسی که ایمانش درست و اعمال صالحه را انجام داده است.
- ۲- کسی که ایمان دارد ولی اعمال صالحه ندارد.
- ۳- کافری که ایمان ندارد و اعمال شایسته‌ای نیز ندارد.
- ۴- کافری که ایمان ندارد ولی گاهی اعمال خوبی نیز از او سرزده است.

### پاداش ایمان با عمل

قسمت اول مربوط به کسانی بود که ایمانشان کامل است و تمام اصول دین و مذهب را با دل و جان پذیرفته‌اند و در برابر احکام الهی سر تسلیم فرود آورده، کاهلی نکرده و به خوبی انجام داده‌اند و خلاصه سراسر زندگی زودگذر دنیائی آنها را عبادتها، جهادها، انفاق‌ها، کمک‌ها، نمازها، روزه‌ها و... فرا گرفته است؛ اینان در بهشت برین، جایگاهی عالی و والا دارند و باغها و نعمتهای گوناگون الهی برای آنها فراهم آمده است.

### پاداش ایمان بدون عمل

و اما آن کسانی که ایمان دارند و اصول دین را باور می‌کنند ولی عمل صالح ندارند؛ اینها نیز سرانجام به بهشت خواهند رفت زیرا خداوند قسم خورده است که مؤمن را به بهشت ببرد ولی قبل از رفتن به بهشت باید به اندازه گناهان و معصیت‌هایی که مرتکب شده‌اند و احکام و فریضی که انجام نداده‌اند، در دوزخ معذب بمانند. و چه مشکل و دردناک است عذابی که خداوند از روی خشم و غضب، بندگانش را به آن بچشاند چه رسد به اینکه سالها بلکه قرن‌ها بخاطر معصیت‌ها و گناهان در آنجا بسوزند و زجر بکشند (پناه بر خدا).

آری! اینچنین اشخاص گنهکاری که ایمان به خدا و روز

جزا و سایر اصول دین دارند، گرچه به بهشت خواهند رفت ولی مدتی از این فیض محروم می‌مانند و بجای آن معذب خواهند بود. در عالم برزخ عذاب می‌بینند و در محشر نیز با ناراحتی‌ها مواجه می‌شوند و اگر تمام نشد، محکوم به جهنم موقت می‌شوند. در اینجا نکته‌ای است که باید خوب دقت شود:

درست است که اگر کسی ایمان داشته باشد و اعمال خوب نداشته باشد، در نتیجه به بهشت خواهد رفت ولی مگر ممکن است کسی ایمان و اعتقادش درست باشد و عمل صالح انجام ندهد؟ در قرآن می‌خوانیم: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوءُى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ».

(سوره روم - آیه ۱۰)

سرانجام کار آن کسانی که به اعمال زشت و بد پرداختند، این که آیات خدا را تکذیب کرده و آنها را مسخره می‌کردند.

و اینچنین است کسانی که گناه می‌کنند، واجبات را ترک و محرّمات را انجام می‌دهند، به تدریج ایمانشان نیز کم شده تا اینکه از بین می‌رود. زیرا هر چه گناه بیشتر شد، قلب انسان را زُخْم و زین فرا می‌گیرد تا جایی که دیگر جانی برای ایمان در آن نمی‌ماند. بنابراین، کوشش ما باید بر این باشد که از گناه و معصیت فاصله بگیریم تا خدای نخواستہ در گناه غرق نشویم و دیگر راه نجاتی هم نیابیم.

### آزاد شدگان از آتش جهنم

در روایتی آمده است: مؤمنانی که در اثر گناه محکوم به جهنم شده‌اند، پس از اینکه مدتی در دوزخ می‌مانند، خداوند پیامبرانی را مأمور می‌کند که دیداری با آنها داشته باشند. آن گنهکاران اشک می‌ریزند و اظهار تضرع می‌کنند. پیامبران از آنها می‌خواهند که توبه کنند تا شفاعتشان نمایند. آنگاه پروردگار مهربان به آنها لطف کرده و آنان را - که کیفرشان تمام شده - از دوزخ بیرون می‌آوردند در حالی که روی پیشانی آنها این خط به چشم می‌خورد «هُؤلَاءِ لَعْنَةُ اللَّهِ مِنَ النَّارِ» اینان آزادشدگان خداوند از جهنم‌اند. پس از آن با کمال خوشحالی به بهشت می‌روند ولی پس از مدتی عرضه می‌دارند: خداوند! به ما لطف کردی و ما را از جهنم رهائی بخشیدی، ولی ما وقتی وارد مجلس بهشتیان می‌شویم، خجالت می‌کشیم زیرا در پیشانی مانوشته شده: «اینها آزادشدگان از جهنم می‌باشند» و اهل بهشت به ما نگاه می‌کنند. پس خداوند دستور می‌دهد، آن خط هم پاک شود.

در اینجا امام معصوم «ع»، چنین می‌فرماید:



شعبیان ما! اگر ایمانتان درست باشد، بهشتی هستید ولی کاری کنید که بی آبرو بهشتی نشوید بلکه آبرومندانه وارد بهشت شوید. و معنای جمله حضرت این است که گناه نکنید زیرا گناه انسان مؤمن را ساقط می کند و با آن وضع شرمناک پس از تحمل سالها عذاب- به بهشت می رود.

### ارتباط عمل با بهشت

اگر کسی بپرسد: حال که معلوم شد بهشت پاداش ایمان است. پس ارتباط عمل با بهشت چیست و عمل چه دخالتی در بهشت رفتن دارد؟ در پاسخ می گوئیم:

اگر عمل باشد، بدون عذاب انسان وارد بهشت می شود و تازه هر چه عمل بیشتر و بهتر باشد، مراتب و درجات نعمتهای الهی در بهشت و مقام و منزلت او نیز بیشتر و بالا تر خواهد بود. و اگر عمل نباشد، پس از چشیدن انواع عذاب ها و پس از مدت زمانی - که هر چه گناه بیشتر مدت ماندن در جهنم بیشتر خواهد بود- به بهشت می رود و آن هم در پائین ترین درجات بهشت او را جای می دهند.

### کیفر کفری عمل

کفاری که به خدا ایمان ندارد و هیچ یک از اصول دین را نمی پذیرد یا به برخی از آنها ایمان دارد و به سایر اصول عقیده ای ندارد، و در دنیا هیچگاه کار خوبی انجام نداده و صفحه اعمالش پر است از گناه، چنین شخصی بی تردید به جهنم می رود و در آنجا برای همیشه معذب می ماند.

### کیفر کفر با عمل

بحثی که در اینجا هست مربوط به آن کفاری است که گرچه عقیده آنها فاسد و خراب است ولی کارهای خیری در زندگی خود انجام داده اند. البته بحث راجع به آنها است که -لا اقل- خدا را قبول دارند و اختراعی می کنند، خدمتی به انسانیت و جامعه می نمایند و یا اینکه دست مظلومی را می گیرند؛ و گرنه کافران محضی که حتی خدا را هم قبول ندارند -مانند کمونیست ها- چه کاری انجام بدهند و چه انجام ندهند نباید توقمی داشته باشند.

در مورد کافرانی که کار خیر انجام می دهند و برای رفاه حال بشریت خدمتهایی می کنند، برخی از علماء می گویند: گرچه اینها بدون شک جهنمی هستند ولی چون کارهای خیر زیادی انجام داده اند، عذابشان -شاید- کمتر از دیگر کافران

باشد و این کارهای خیر سبب شود که در عذاب آنها تخفیف داده شود. ولی در هر صورت در جهنم برای همیشه خواهند ماند زیرا خداوند قسم خورده است که کافر را به بهشت نبرد. در اینجا برخی اشکال می کنند که:

انسانهایی که برق اختراع کرده، ماشین اختراع کرده و سایر وسایل زندگی را درست کرده و اکتشافات مهمی که برای رفاه حال بشریت است نموده اند، آیا خلاف عدالت نیست اگر خداوند آنها را به جهنم ببرد؟! و در صورتی که خداوند در قرآن فرموده است «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» هر کس به اندازه وزن یک ذره، کار خیر انجام دهد، آن را در جهان دیگر خواهد دید؛ آیا روا است این مخترعین بزرگ که اینقدر کارهای مهم و خوب انجام داده اند، خداوند در قیامت پاداشی به آنها ندهد؟ در پاسخ می گوئیم:

اولاً: در آیه ای که مورد استدلال قرار گرفت، کلمه «یره» آمده است و معنای آن «آن را می بیند» می باشد و این هیچ ربطی به پاداش و مزد ندارد. در پاسخ آنها گفته می شود: یک جایی از قرآن را پیدا کنید که خداوند گفته باشد: برای کارهای شما پاداشی -در آخرت- در نظر گرفته شده است؛ که قطعاً چنین چیزی از قرآن استفاده نمی شود، بلکه هر جا سخن از پاداش است در مورد مؤمنان و آنان که اعمال شایسته انجام داده اند، می باشد.

ثانیاً: در موردی خلاف عدالت صدق می کند که حکیم قول بدهد و به قولش وفا نکند و خداوند به اینها قول پاداش نداده است.

ثالثاً: خداوند در موارد متعددی قول به خلاف آن مطلب داده یعنی فرموده است: این کافران اگر جهان را پر از عبادت کنند، چون ایمان ندارند، هیچ ارزشی برای عبادت آنان قائل نیستیم و همه را آتش می زنم و نابود می سازم.

در آیه ۳۹ سوره نور چنین می فرماید:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَائِلاً».

اعمال این کافران مانند همان سراب است در صحرا که انسان از دور خیال می کند آب است ولی وقتی به آن رسید می بیند چیزی نیست. پس هر چند کفار خیال کنند که اعمال زیادی انجام داده اند و خدمات بی شماری به بشریت کرده اند، در روز قیامت چیزی به آنها نخواهد رسید زیرا خداوند به کسی پاداش می دهد که معتقد باشد و اصول دین را پذیرفته باشد. البته حساب آنان که جاهل قاصرند -نه مقصر- جدا است و برای آنها حکم جداگانه ای آمده است.





آینده نیز شاید روایات بیشتری در اینباره نقل کنیم، از اوصیاء پیمبران الهی و تابع دین حنیف ابراهیم علیه السلام بود، و دارای مقام وصایت و حامل اسرار پیمبران الهی بوده... و چگونه می توان پذیرفت که رسول خدا و عمویش ابوطالب در چنین جنگی شرکت جسته و حتی کمک به جنگجویان فریض و کثانه کنند....

بنابراین اصل پذیرفتن این داستان مشکل و دلیل معتبری بر آن نداریم. □

- ۱ - به صفحه ۳۰ شماره ۲۸ و صفحه ۳۷ شماره ۲۹ مجله مراجعه نمائید.
- ۲ - برای اطلاع بیشتر در اینباره به کتاب «ابوهریره بازرگان حدیث» تألیف علامه شیخ محمود ابویه - یکی از علماء مصری اهل سنت - که به فارسی ترجمه شده و کتابفروشی محمدی تهران آنرا چاپ کرده مراجعه نمائید.
- ۳ - سیرة المصطفی صفحه ۶۱.
- ۴ - البداية و النهایة جلد ۱ صفحه ۲۹۵، ۲۹۶. تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۲.
- ۵ - به سوره قصص و داستان رفتن موسی به مدین و ازدواج با دختر شعب و گوسفندپرانی آنحضرت که در تفاسیر و تواریخ نقل شده مراجعه شود.
- ۶ - در مقالات گذشته ذکر شد که بنا بگفته ابن اثیر در اسدالغابة (ج ۱ ص ۱۴) و واقعی (چنانچه در بحارالانوار ج ۱۵ ص ۱۲۵ از وی نقل شده): رسول خدا از پدرش عبدالله پنج راس شتر و یک گوسفند به ارث برده بود.
- ۷ - سوره ابن هشام ج ۱ ص ۱۸۱ - ۱۸۶.
- ۸ - الطقات الکبری ج ۱ ص ۱۲۶ - ۱۲۸.
- ۹ - تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۰۰۹.

۲ - از نظر شرکت و عدم شرکت بنی هاشم، و در نتیجه شرکت و عدم شرکت رسول خدا (ص) که در برخی اثبات شده و در برخی نفی شده....

۳ - و از نظر شرکت سایر افراد و قبائل نیز مانند حرب بن امیه و دیگران در این روایات اختلاف زیادی دیده می شود.

۴ - و از نظر سال وقوع این جنگ که در برخی آمده بیست سال پس از داستان فیل و در برخی ۱۴ سال ذکر شده.... و از اینها گذشته این داستان در بسیاری از کتب قدیم و جدید تاریخی و حدیثی ذکر نشده و بحثی از آن بعین نیامده، مانند تاریخ طبری و کامل ابن اثیر و کتابهای شیعه و دیگران....

و با توجه به اینکه بگفته خود اینان، این جنگ در ماه حرام واقع شد و این گناه بزرگی بود که موجب ظلم و عدوان و قطع رحم گردید و بدان خاطر آنرا «فجار» گفتند.... و از آنسو ما در قسمتهای گذشته گفتیم که رسول خدا از کودکی با اعمال خلاف و فسق و فجور و گناهان مردم زمان جاهلیت مبارزه می کرد، و هر جا که می توانست مخالفت خود را با کارهای ناشایست ایشان ابراز می نمود و ابوطالب عموی آنحضرت نیز صرفنظر از مقام والا و سیادتش که بر بنی هاشم داشت طبق روایاتی که به برخی از آنها قبلاً اشاره کردیم، و در صفحات

**بقیه از پاداش نیکان و کفر بدان**

در آیه ۱۸ از سوره ابراهیم نیز چنین می فرماید:

«مثل الذین کفروا برئهم أعمالهم کرماد اشتدت به الريح فی يوم عاصف، لا یفقدون مما کسبوا علی شیء، ذلك هو الضلال البعید».

اعمال آنان که به پروردگار خود کافر شدند، به خاکستری می ماند که در روز وزیدن باد شدید، تمام آن خاکسترها به باد فناء می رود و اثری از آن نمی ماند، و آنها هیچ نتیجه ای از کوشش خود نمی برند زیرا در ضلالت دور از حق قرار دارند.

در آیه دیگری می فرماید: «کمثل صفوان علیہ تراب فأصابه وابل» اگر خاکهای ترمی بر روی تخته سنگ بسیار همواری پاشیده باشند، آنگاه باران تندی بیارد. و آب روی آن سنگ جاری شود. اگر از آن خاکهای ترم اثری بماند کافر هم از اعمال خود چیزی دریافت می کند.

و ابداً: آن کسانی که برق، ماشین، هواپیما و یا هر چیز دیگر اختراع کرده اند، برای جلب رضایت مردم و رفاه آنها بوده است، پس معنی ندارد که از خدا طلبکار باشند. آنها باید پاداش خود را از مردم بگیرند. تازه اگر هم از خدا چیزی بخواهند، خدا در دنیا

ممکن است چیزی به آنها بدهد. برای اینکه هر کاری تا خلوص و قصد قربت در آن نباشد پذیرفته نیست، چه اینکه فقط برای مردم انجام دهند؛ چه آنکه خدا را هم شریک بدانند! که در هر دو صورت قصد قربت نیست.

برای مختصر عین کافر همین بس که در دنیا عکشان را در کتابها و تقویم های بغلی! می زنند و نامشان را به عنوان خدمتگزاران بشریت می برند، دیگریش از این نباید از خداوند توقع داشته باشد.

بهشت شرایط دارد و هر کس را در آنجا راه نمی دهند. ولی ممکن است خداوند نظر لطفی به آنها بکند و تخفیفی در عذاب آنها قائل شود.

در خاتمه بحث، بار دیگر متذکر می شویم که مؤمنان برای همیشه در بهشت می مانند و کفار نیز مخلص در جهنم می باشند. زیرا آخرت همیشگی و فشانناپذیر است و مؤمنان گنهکار به مقدار گناهانشان عذاب می شوند، و پس از گذشت مدت کیفر، به بهشت می روند، و چون مراتب و درجات بهشت مختلف است، لذا اینها در درجات پائین بهشت قرار دارند.